

محبوب خدا
درس ۹: محبت آگاپه
دکتر آر. سی. اسپرول

در جلسه‌ی گذشته، ما نوع سوم محبتی که در الاهیات متمایز می‌کنیم رو بررسی کردیم، محبت رضامند خدا؛ و باز هم این رو مرور می‌کنم که ما به سه طریق در مورد محبت خدا صحبت می‌کنیم: محبت خیرخواهانه‌ی خدا، محبت نیکوکارانه‌ی خدا و سوم، محبت رضامند خدا. ما نباید این سه نوع محبت رو با چیزی که همه‌ی مسیحیان گهگاه از منبر درباره‌ی سه نوع محبتی که در زبان یونانی وجود داره، شنیدند، اشتباه بگیریم!

این یک موضوع رایج هست که می‌شنوید وقتی کتاب مقدس از محبت صحبت میکنه، باید مراقب باشیم بین انواع مختلف محبتی که در یونانی باستان بیان شده، تمایز قائل بشیم.

و امروز می‌خوایم به اون سه واژه‌ی محبت و اهمیت اونها نگاهی بندازیم.

اولین واژه، اسم «اروس» هست. دومی، اسمیه که از فعل «فیلین» گرفته شده و سومی اسمیه که اکثراً شنیدیم: «آگاپه».

پس این‌ها سه واژه‌ای هستند که برای «محبت» در زبان یونانی باستان میشه دید.

حالا، بهترین ابزاری که برای مطالعه‌ی واژگان در زبان یونانی کتاب مقدسی داریم، پروژه‌ی عظیمیه که به سردبیری گرهارد کیتل به نام فرهنگ لغات الاهیاتی عهد جدید کیتل انجام شده که در اون به محققین عهد جدید در سراسر دنیا مسؤلیت‌هایی برای انجام تحقیقی جامع درباره‌ی کاربرد واژه‌های یونانی خاص در همه‌ی ادبیات موجود از دوران باستان داده بودند.

پس اگر شما واژه‌ای در عهد جدید مثل واژه‌ی عهد جدیدی برای ایمان پیدا کنید، اونها بررسی می‌کنند که این واژه چطور در یونانی هومری و بعد از اون بین شاعران یونانی متأخر و در بین فیلسوفان یونانی کاربرد داشته، و کاربردش در عهد جدید چطور بوده؛ ببخشید، منظورم ترجمه‌ی یونانی عهد عتیق، ترجمه‌ی هفتادگانی یا سپتواجت هست؛ بعد بررسی می‌کنند که اون در اناجیل چطور استفاده شده، بعد در رساله‌ها، بعد در کلیسای اولیه و همینطور الی آخر.

طوری که وقتی تحقیقتون تموم بشه، درک جامعی از معنی اون واژه دارید. همونطور که بارها به دانشجویام گفتم، اگرچه این ابزار توسط متقصدین علمی، افرادی که خودشون متقصدین کتاب

مقدس هستند، به وجود اومده، با اینحال از دید علمی، این عالی‌ترین ابزار تحقیقی‌ای هست که در پژوهش‌های مسیحی برای رسیدن به شناختی عمیق از معنی واژه‌هایی که در متن کتاب مقدس اومده، وجود داره.

اگر شما واژه‌ی آگاپه رو در کیتل جستجو کنید، می‌بینید که اون مدخل خاص رو پژوهشگر عهد جدید، اتربورت استافر نوشته.

اون به خاطر تحقیقاتش در الاهیات عهد جدید و همچنین در زبان یونانی، مشهوره؛ و کاری که در مطالعه‌اش انجام می‌ده اینه که اول از همه زمانی رو صرف بررسی معنی واژه‌ی یونانی «اروس» می‌کنه.

واژه‌ی اروس در عهد جدید نیومده، اما چون واژه‌ی مهمی در زبان یونانیه که میتونه به عنوان محبت ترجمه و تعریف بشه، و از اونجایی که یونانی‌ها بین انواع مختلف محبت تفاوت قائل میشن، مهمه که یک درک ابتدایی از اون داشته باشیم.

در زبان انگلیسی، ما واژه‌ی «اروتیک» یا شهوانی رو از این واژه‌ی یونانی میگیریم، چون اروس اشاره به محبت جسمانی داره، محبتی که مملو از مفاهیم فرعی جنسیه.

اما نه فقط این، بلکه در یونانی کلاسیک، واژه‌ی محبت، اروس، بار شیطانی هم با خودش داره.

و در واقع اون نوع محبتی بوده که اغلب در آئین‌های بت‌پرستی جشن گرفته می‌شده؛ به خصوص در روسپیگری معبد و مجالس عیاشی جهان باستان که مردم محبت رو با مست کردن و پر کردن شکمشون از غذاهای لذیذ جشن می‌گرفتن و به‌جایی می‌رسیدن که در ابراز تمایلات جنسیشون لجام‌گسیخته می‌شدند و اون رو به مجلس عیاشی تبدیل می‌کردن؛ و به نوعی انگار محبتی بود که تحت تاثیر شرارت و حتی تسخیر شیطانی بود.

همونطور که این واژه در دنیای باستان بسط پیدا کرد، تلاش‌هایی صورت گرفت تا اون رو تطهیر کنند.

افلاطون و ارسطو، هر دو، در استفاده از واژه‌ی اروس، سعی کردند هر مفهوم شریرانه‌ای رو از اون پاک کنند.

هنوز از اون برای بیان عبارات شهوانی و علایق شهوانی استفاده می‌شد، اما بدون اون دلالت منفی شریرانه‌ای که همراهش بود.

پس استافر در مواجهه با اون، به‌طور مبسوط بهش می‌پردازه تا سیر بسط پیدا کردن اروس رو نشون بده؛ اما باز می‌گم، فقط به این خاطر که ما درک کنیم این واژه برای محبت استفاده نشده، چه در کاربرد پیش از افلاطونیش با مفهوم شیرانه، چه پس از اون که توسط فیلسوف‌های یونانی تظہیر شد، و همچنان در کتب عهد جدید وجود نداره.

چیزی که در عهد جدید پیدا می‌کنید، دو نوع دیگه‌ی محبت، یعنی فیلیپین و آگاپه است.

حالا، واژه‌ای که از فیلیپین میاد، باهش آشنا هستیم؛ به عنوان بخشی از اسم شهری در عهد جدید و شهری در آمریکا؛ فیلادلفیا!

وقتی از شهر فیلادلفیا صحبت می‌کنیم، اون شهر، یه اسم مستعار داره و بهش شهر هو کردن بابانول می‌گن. نه؛ این اسم مستعاری نیست که تو ذهنم بود. شهر فیلادلفیا به شهر محبت برادرانه معروفه!

واژه‌ی «آدلفس» در یونانی به معنی برادره و «فیلئا» اینجا اشاره به محبت داره. پس شما مفهوم برادر و مفهوم محبت رو می‌گیرید، اونا رو کنار هم می‌ذارید و شهر فیلادلفیا رو می‌سازید.

خب، معمولاً فکر می‌کنیم «فیلئو» یا «فیلیپین» محبتی هست که بین دوستان وجود داره. جایی که همدیگه رو دوست داریم، علاقه‌ی عمیقی نسبت به همدیگه داریم، اما از نوع متعالی محبت که با اصطلاحات فراطبیعی در عهد جدید درباره‌ی آگاپه ازش صحبت شده، قاصره.

ما میتونیم درباره‌ی دوست داشتن همسایه صحبت کنیم یا دوست خوب بودن با مردم و دوستی داشتن؛ اما مفهوم متعالی محبت که در عهد جدید می‌بینیم، این واژه‌ی آگاپه هست که پایه و اساس اون در شخصیت خود خداست!

این، اون نوع محبتیه که به‌وسیله‌ی روح القدس در دل‌های ما ریخته شده. به خاطر داشته باشید وقتی ما مطالعه‌ی محبت خدا رو شروع کردیم، به تعلیم یوحنا در رساله‌ها نگاه کردیم، جایی که یوحنا میگه، ما باید یکدیگر را محبت نماییم، زیرا که محبت از خداست و هرکه محبت می‌نماید از خدا مولود شده است.

حالا، واضحه که شما مجبور نیستید تولد تازه داشته باشید، مجبور نیستید تبدیلی فراطبیعی در شخصیتتون داشته باشید تا محبت برادرانه رو تجربه کنید.

محبتی طبیعی وجود دارد که ما میتونیم بدون تولد دوباره تجربه‌اش کنیم؛ اما حرکت به سمت بالاترین سطح آگاپه، کلاً مبحث دیگه‌ایه. بعداً می‌خواهیم زمانی رو صرف تحلیل عمیق این نوع محبت کنیم، اینکه آگاپه به چه شکله! با بررسی یا حداقل بررسی مختصر دو تا خطابه. اول قرتیان باب سیزده، باب مورد علاقه درباره‌ی محبت در عهد جدید، جایی که پولس درباره‌ی محبت صحبت میکنه، و در واقع از نوع خاصی از محبت یعنی از محبت آگاپه صحبت می‌کنه؛ که این عالیتترین نوع محبته.

ما جداگانه اونو بررسی میکنیم، اما فعلاً می‌بینیم که این نوع محبت خاص در عهد جدید وجود دارد که مسیحیان به خاطر تولد تازه از روح القدس دارا هستند و این محبت در دل‌های ما ریخته شده؛ که به واسطه‌ی اون الآن ما توانایی تقلید محبت خدا رو داریم که به انجامش خونده شدیم.

خدا ما رو با آگاپه محبت می‌کنه و ما باید این آگاپه رو با محبتی که به همدیگه داریم و محبتی که در رفتارمون در سرتاسر دنیا نشون میدیم، آشکار کنیم.

بیا بیاید زمانی رو صرف بررسی چند تا از اشارات در عهد جدید کنیم که درباره‌ی فرامینی هستند که خدا به ما میده، وقتی جانمون رو برای محبت کردن زنده میکنه.

یکی از اساسی‌ترین تعلیمات عیسی، حکمی هست که به شاگردانش میده که دشمنانشون رو دوست داشته باشند. یادمه سالها پیش به موعظت جی آدامز درباره‌ی اینکه چطور ازدواج‌ها در کشورمون با بالا رفتن امکانات دارند به جدایی میرسند، گوش میکردم و اون راجع به صحبتش با شخصی حرف زد که می‌خواست طلاق بگیره و این شخص به جی وقتی باهاش مشاوره می‌کرد، گفت که می‌خواه زنشو طلاق بده، چون دیگه دوستش نداره.

جی گفت: «خب یه دقیقه صبر کن. به تو حکم شده که محبتش کنی. کتاب مقدس میگه «ای شوهران، زنان خود را محبت نمایید، چنانکه مسیح هم کلیسا را محبت نمود». به اختیار تو نیست.

نمیتونی تصمیم بگیری که دیگه دوستش نداشته باشی. باید زنت رو دوست داشته باشی». مرد گفت: «این‌طور نیست که من اونو دوست نداشته باشم، من فقط نمی‌خواهم توی یه خونه با اون زندگی کنم».

جی بهش گفت: «تصور کن اون از خونه رفت، یا تو رفتی و به خونه بغلی نقل مکان کردی. بعد همسایه‌ات میشه؛ و خدا میگه... باید همسایه‌ات رو محبت کنی».

اون مرد به دکتر آدامز گفت: «تو درک نمی‌کنی، نمیتونم این زن رو تحمل کنم. من حتی نمی‌خواهم توی همسایگی‌اش باشم». دکتر آدامز گفت: «آها، فهمیدم. چیزی که تو داری به من میگی، اینه که نسبت بهش احساس خصومت داری». مرد گفت: «بله، درسته». اون گفت: «به عبارت دیگه، اونو دشمن خودت میدونی».

مرد متوجه شد جریان چیه. دکتر گفت: «آیا لازمه بهت یادآوری کنم که مسیح به قومش فرمان داده که دشمنانشون رو هم محبت کنند؟»؛ پس این شخص بیچاره بعد از اینکه تحت استتطاق جی آدامز قرار گرفت جواب دیگه‌ای نداشت. این اساسیه. این تفکری بنیادیه که عیسی در موعظه‌ی سر کوه دربارهاش صحبت کرد؛ وقتی به شاگردانش گفت اونو خوانده شدند تا از حد و مرزهای انسانی محبت فراتر برنند تا جایی که حتی به دشمنانشون هم محبت کنند.

بیا بید به متن نگاه کنیم. من اونو توی کتاب خودم با عنوان «محبوب خدا» چاپ کردم و سعی کردم رئیس مطالب این کتاب رو در این مجموعه تعلیمات دنبال کنم! اما اینجا در متی باب پنج آیات ۴۳ تا ۴۸ می‌خونیم که عیسی می‌گه: «شنیده‌اید که گفته‌شده همسایه‌ی خود را محبت نما و با دشمن خود عداوت کن». الآن دقت کنید وقتی عیسی اینو می‌گه، نمی‌گه «مکتوب است که شما باید به همسایتون محبت کنید و از دشمن تون متنفر باشید».

وقتی عیسی این عبارت مقدماتی «مکتوب است» رو استفاده می‌کنه، اشاره مشخص و صریح به کتب عهد عتیق می‌کنه. وقتی از عبارت «شنیده‌اید که گفته‌شده» استفاده می‌کنه، از زبان و اصطلاحی استفاده می‌کنه که هم عصرانش متوجه میشدن داره اشاره به هالاخا می‌کنه که سنت شفاهی معلمین یهودی بود.

معلمین یهودی که الاهیات خودشون رو گسترش داده بودند، و غالباً از تعالیم عهد عتیق دور شده بودند. پس باید درک کنید که وقتی عیسی دیدگاه هم عصران خودش رو نسبت به عهد عتیق اصلاح می‌کرد، عهد عتیق رو به چالش نمی‌کشید، بلکه درک تحریف‌شده از عهد عتیق توسط بعضی از معلمین یهودی رو به چالش می‌کشید؛ پس گفت: «شنیده‌اید که گفته‌شده «همسایه خود را محبت نما و با دشمن خود عداوت کن»، اما من به شما می‌گویم که دشمنان خود را محبت نمایید و برای لعن کنندگان خود برکت بطلبید و به آنانی که از شما نفرت کنند، احسان کنید و به هرکه به شما فحش دهد و جفا رساند، دعای خیر کنید تا پدر خود را که در آسمان است پسران شوید، زیرا که آفتاب خود را بر بدان و نیکان طالع می‌سازد». این محبت نیکوکارانه است.

«و باران بر عادلان و ظالمان می‌باراند؛ زیرا هرگاه آنانی را محبت نمایید که شما را محبت می‌نمایند، چه اجر دارید؟ آیا باج‌گیران چنین نمی‌کنند؟ و هرگاه برادران خود را فقط سلام گویند چه فضیلت دارید؟ آیا باج‌گیران چنین نمی‌کنند؟ پس شما کامل باشید چنانکه پدر شما که در آسمان است کامل است.»

خب، چیزی که عیسی اینجا داره میگه، اینه که شما باید کامل باشید، همونطور که پدرتون کامله؛ یعنی کامل بودن به طور مطلق اینه که همه چیز تمام باشیم یا چیزی که بهش درستی و راستی گفته میشه.

عیسی میگه شما باید درستی و راستی خدای قادر مطلق رو آشکار و از اون تقلید کنید؛ خدایی که انسان‌ها رو محبت می‌کنه، حتی وقتی ازش نفرت دارند؛ خدایی که به کسانی که به پسرش جفا می‌کنند، نیکی میکنه؛ و شما خونده شدید تا فراتر از احساسات عادی و انسانی نفرت و انتقام که نشانه‌ی بشریت سقوط کرده است برید؛ الآن که در پادشاهی خدا هستید، باید مطابق با اخلاقیات پادشاهی زندگی کنید که جوهره‌ی اون، این آموزه‌ی محبته.

حالا، یکی از جالب‌ترین گفتگوهای کتاب مقدسی در این باره در گفتگوی عیسی با پطرس در انتهای زندگی عیسی دیده میشه، بعد از رستاخیز، وقتی عیسی مقابل شاگردانش در دریای طبریه ظاهر شد و خودش رو به شمعون پطرس، توماس و تنائیل و بقیه نشون داد.

در این گفتگو، ما این سخنان رو می‌شنویم. «بعد از غذا خوردن، عیسی به شمعون پطرس گفت: ”ای شمعون، پسر یونا، آیا مرا بیشتر از این‌ها محبت می‌نمایی؟“ فکر می‌کنم جالبه که عیسی اونو شمعون صدا میکنه اینجا، نه پطرس، چون از گفتگوی قبلی و اعتراف پطرس در قیصریه‌ی فیلیپی وقتی عیسی اونو صخره نامید، انکار سه‌باره‌ی مسیح توسط پطرس رخ داد.

و حالا عیسی میگه «شمعون، آیا مرا محبت می‌نمایی؟» آگاپه، «بیشتر از این‌ها».

حالا، اینجا ابهامی در نحوه‌ی بیان این در متن وجود داره. ما مطمئن نیستیم منظور عیسی چی بود. آیا عیسی به پطرس می‌گفت که آیا بیشتر از حدی که دوستانت، رسولان، بقیه‌ی شاگردان رو دوست داری، من رو دوست داری؟ یا داره میگه آیا بیشتر از حدی که اونها منو دوست دارند، تو منو دوست داری؟ یا منظور از «اینها» تور و تجهیزات ماهیگیری پطرس بوده؟

آیا تو منو بیشتر از زندگی‌ات به‌عنوان یه ماهیگیر دوست داری؟ هرکدوم از این میتونه باشه و ما مطمئن نیستیم. ولی مطمئنیم که عیسی از اصطلاح «آگاپه» اینجا استفاده میکنه، وقتی که

میگه: «آیا منو با آگاپه دوست داری؟»؛ و پطرس به سوال جواب میده. گوش کنید چی میگه: «بلی خداوندا، تو میدانی که تو را دوست میدارم».

به عبارت دیگه، یه توییح ظریف اینجا وجود داره. جایی که پطرس میگه: «چرا ازم می‌پرسی که آیا دوستت دارم؟ تو که میدونی من دوستت دارم»؛ اما یکی از عجایب این مکالمه وقتیه که عیسی میگه: «آیا منو با آگاپه دوست داری؟» و پطرس جواب میده: «بله خداوندا، من با فیلیپ تو رو دوست دارم. من با این نوع محبت، دوستت دارم». حالا، این چیزیه که مفسران ازش مطمئن نیستن. آیا نکته‌ی دقیق و ظریفی توی این مکالمه هست، وقتی عیسی میگه «خب بله، میدونم محبت برادرانه به من داری، اما آیا با آگاپه منو دوست داری؟»

روی دیگه‌ی سکه اینه که یوحنا در بقیه‌ی نوشته‌هاش هر از گاهی از دو واژه به جای همدیگه برای محبت استفاده میکنه: فیلیپ و آگاپه، جوری که انگار مترادف هستنند.

پس ممکنه اهمیت خاصی در تغییر این دو واژه برای محبت در این گفتگو وجود نداشته باشه. مطمئن نیستم، اما جالبه که ما توی این متن اونو می‌بینیم.

بیا بید بینیم بعد از اون چی میشه. پطرس گفت: «بلی خداوندا، تو میدانی که تو را دوست میدارم». عیسی به او گفت: «بره‌های مرا خوراک بده». این پیغامی برای تمام شبانان دنیاست. آگه مسیح رو دوست دارید، چطور محبت مسیح رو نشون میدید؟ مثل این جمله است که میگه عاشق منی، عاشق سگم باش. عاشق منی، عاشق گوسفندهام باش.

عیسی به پطرس میگه: «آگه منو دوست داری پس بره‌های منو خوراک بده». «باز در ثانی به او گفت: "ای شمعون، پسر یونا، آیا مرا محبت می‌نمایی؟" – و باز از واژه‌ی آگاپه استفاده میکنه – به او گفت: "بلی خداوندا، تو میدانی که تو را دوست میدارم"». دوباره فیلیپ!

و عیسی به او گفت: «گوسفندان مرا شبانی کن». حالا، آیا عیسی باز هم داره همون حرف رو میزنه؟ دوباره، فقط واژه‌ها عوض شده. بره، گوسفند یا بعضی میگن مسئولیت شبان مراقبت از نوایمانان یا بره‌هاست و شما باید از اونا مراقبت کنین، اما همچنین باید از بالغین مراقبت کنید. باید به بره‌ها خوراک بدید. باید گوسفندان رو شبانی کنید.

نمیدونم. در نهایت عیسی برای بار سوم به پطرس میگه: «ای شمعون، پسر یونا، مرا دوست میداری؟» اما این بار عیسی از فیلیپ استفاده میکنه، بعد از اینکه پطرس دو بار با همون واژه بهش گفت که دوستش داره. الآن عیسی از همون واژه استفاده میکنه و میگه: «منو اینطور

دوست داری؟» کلام خدا میگه: «پطرس محزون گشت، زیرا مرتبه‌ی سوم بدو گفت ”مرا دوست می‌داری؟“»

شما راهی ندارید جز اینکه اینطور استنباط کنید که دلیل این پرسش یا بازجویی سه‌گانه اینه که عیسی از اون سه بار میپرسه، چون دنیا سه بار از پطرس پرسید: «آیا اونو می‌شناسی؟» و شمعون پطرس سه بار آشکارا عیسی رو انکار کرد.

و الآن که دوباره به عنوان شاگرد، داره احیا میشه، عیسی سه بار ازش میپرسه: «پطرس منو دوست داری؟»، «بله خداوندا، من دوستت دارم»، «پطرس منو دوست داری؟»، «بله خداوندا، من دوستت دارم»، «پطرس منو دوست داری؟»، سه بار!